

تحلیل حقوقی احکام ایجاب و قبول در نظام کنونی

دکتر سارا داور دوست

دکتری حقوق خصوصی

چکیده

هرگاه دو شخص قصد ایجاد عقد و قرارداد را داشته باشند، این قصد و اراده باید بیان شود، به چیزی که نشانگر این قصد و اراده باشد ایجاب و قبول می گویند. به بیان ساده تر به پیشنهاد ایجاد قرارداد ایجاب و به پذیرش ایجاد قرارداد قبول می گوئیم. به طور مثال در عقد بیع (خرید و فروش) پیشنهاد ایجاد قرارداد از طرف فروشنده و قبول آن از طرف خریدار است به عبارتی فروشنده ایجاب کننده و خریدار قبول کننده می باشد. آنچه در باب معاملات و بویژه در انعقاد عقود ضروری است اعلام اراده متعاملین می باشد و صرفاً هر روشی که عرفاً موجب هدایت انشاء باشد می تواند به عنوان اعلام اراده در معاملات مورد استفاده قرار گیرد^۱ همچنین بر مبنای اصل حاکمیت اراده، قصد انشایی طرفین به وجود آورنده عقد در عالم اعتبار است، اما برای تاثیر آن شرایطی لازم است. با توجه به اینکه ایجاب و قبول در عقود و معاملات از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است لذا در این مقاله قصد داریم احکام ایجاب و قبول را در قانون ایران مورد مذاقه و بررسی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: ایجاب، قبول، زوال، توالی، نظریه ارسال، قراردادهای، تعهدات

دکتر شهیدی نیز در کتاب تشکیل قراردادها و تعهدات در خصوص ایجاب اینگونه شرح داده اند (که عقد با همکاری اراده دو طرف محقق می شود. از آنجا که فعالیت اراده در انشای عقد، یک حرکت روانی و درونی است و تحقق آن ذاتا همراه بروز خارجی نیست، لذا در صورتی که فعالیت اراده یکی از دو طرف به وسیله ای ابراز نشود، آگاهی بر آن برای طرف دیگر، به منظور انجام همکاری و نیز اثبات آن، عا دتا ممکن نخواهد بود. از این رو اعلام اراده انشایی و اظهار آن در خارج شرط تاثیر اراده انشایی و اظهار آن در خارج شرط تاثیر اراده انشایی است. به این جهت ماده ۱۹۱ ق.م.مقرر می دارد: "عقد محقق می شود به قصد انشای شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند" با مطالعه نحوه تنظیم عبارات ماده مذکور، روشن می شود که سازنده عقد، اراده انشایی است نه اعلام اراده، منتها این اراده به طور مطلق، سازنده عقد نیست و برای تشکیل عقد، صرف قصد انشای آن در درون و ظرف ذهن موثر نمیباشد، بلکه برای خلا قیت اراده تقارن آن با وسیله ای که آن را نشان دهد، لازم است. هر یک از دو اراده همراه با وسیله ابراز آن، که متضمن معنی ابتکار باشد و به طور متعارف باید ابتدائا صادر شود، ایجاب و طرف دیگر قبول نامیده می شود. می دانیم اراده باطنی زمانی دارای نفوذ حقوقی است که به گونه ای اعلام شود و در عالم خارج نمود ظاهری یابد پس ایجاب پیشنهادی است برای انجام معامله در واقع اعلام اراده کسی است که دیگری را بر اساس شرایط خاصی برای بستن عقد دعوت می کند بدین صورت اگر پیشنهاد او از طرف مقابل قبول شد و هر دو به مفاد آن پای بند باشند عقد تشکیل می شود این دعوت ممکن است مورد خطاب شخص معین یا عموم مردم باشد.

بخش دوم: تفاوت ایجاب و دعوت به مذاکره

دعوت به مذاکره با ایجاب تفاوت دارد. در ایجاب شخص قصد قطعی بر انجام معامله دارد و در صورتی که طرف معامله، ایجاب را قبول نماید قرارداد منعقد می گردد در حالی که در دعوت به مذاکره، شخص تنها پیشنهاد گفت و گو و مذاکره در مورد قرارداد را به طرف دیگر می دهد و هیچ الزامی برای انجام معامله وجود ندارد. در مواردی تشخیص این که یک پیشنهاد، ایجاب بوده یا دعوت به مذاکره دشوار است. در این موارد و در صورت ایجاب

اختلاف، دادگاه با توجه به اوضاع و احوال تشخیص می‌دهد که پیشنهاد ارائه شده ایجاب بوده یا منظور از پیشنهاد، تنها دعوت به مذاکره در خصوص معامله بوده است. برای درک بهتر تفاوت ایجاب و دعوت به مذاکره باید به اراده افراد در خصوص ایجاب و قبول نظر داشت. معنی لغوی اراده، طلب، قصد و برگزیدن می‌باشد و در اصطلاح نیز دارای تعاریفی است. دانشمندان علم کلام در تعریف اراده می‌گویند "اراده صفتی است که رجحان یکی از دو امر مقدور بر دیگری را اقتضا کند." بعضی از حکما اراده را حالتی می‌دانند که به دنبال شوق می‌آید. ولی بیشتر فلاسفه بر آنند که اراده از مقوله کیف نفسانی و عزم راسخ یا شوق موکدی است که از ادراک امر ملایم و سازگار با طبع و سرشت در نفس انسان پدیدار می‌شود. این شوق موکد یا عزم راسخ در پی تصدیق و پذیرش سودی که در انجام یا ترک کاری در نفس انسان پدید می‌آید و حصول آن موجب می‌شود تا فعل یا ترک فعل که در مقایسه با علم و قدرت فاعل، در مرحله امکان است مرجحی یابد و مرحله ضرورت برسد. به هر حال اراده کیفی نفسانی است که اگر همراه با ابراز خارجی باشد در عالم حقوق منشا اثر خواهد بود. در اصطلاح حقوق، اراده را حرکت نفس به طرف کاری معین پس از تصور و تصدیق منفعت آن تعریف کرده‌اند. برخی از حقوق‌دانان اراده را خواستن امری دانسته و آن را دو قسم کرده‌اند: اراده حقیقی و انشایی. پرسشی که در این بحث پیرامون اراده مطرح می‌شود این است که آیا برای شکل‌گیری عقد، اراده درونی صرف کفایت می‌کند یا نیاز به مبرز و کاشف خارجی دارد؟ اگر قایل شویم که برای شکل‌گیری عقد اراده درونی کفایت می‌کند، نتیجه حاصله این خواهد بود، در صورتی که قابل تمایل به پذیرش ایجاب داشته باشد و در درون خود این امر را اراده کند. دکتر شهیدی در کتاب تشکیل قراردادها و تعهدات در خصوص تفاوت ایجاب و وعده عقد می‌فرماید: انشای بالفعل عقد با اراده ابراز شده می‌باشد. در صورتی که وعده عقد چیزی جز یک قول عرفی، بر ایجاد عقد در آینده نیست. ماده ۱۴ کنوانسیون ۱۹۸۰ بیع بین المللی با تفکیک پیشنهاد انعقاد عقد از ایجاب و تاکید بر این امر که ایجاب کننده باید قصد انعقاد معامله را داشته باشد مقرر داشته "پیشنهاد انعقاد قرارداد خطاب به یک یا چند شخص معین در صورتی ایجاب محسوب است که به اندازه کافی مشخص و دال بر قصد التزام پیشنهاد دهنده در صورت قبول طرف مقابل باشد" (ماده ۱۴ کنوانسیون ۱۹۸۰م)

بند اول: شرایط ایجاب

مفاد ایجاب باید معلوم باشد یعنی نوع عقد و موضوع قرارداد مبهم نباشد زیرا دو طرف باید بدانند که چه نوع معامله‌ای می‌نمایند و موضوع آن چیست، در غیر این صورت توافق جهت انعقاد معامله شکل نمی‌گیرد. هم‌چنین ایجاب بایستی صریح و روشن باشد و در آن به شرایط لازم برای انجام معامله اشاره شود؛ در غیر این صورت پیشنهاد ارائه‌شده ایجاب محسوب نمی‌گردد. مثلاً پیشنهاد فروش یک مال بدون تعیین مشخصات آن مال و قیمت آن، ایجاب محسوب نمی‌شود. به علاوه در ایجاب شرط نیست که حتماً نسبت به شخص معینی باشد بلکه ممکن است ایجاب نسبت به همه‌ی مردم داده شود. در مواردی که ایجاب مربوط به شخص معینی نمی‌باشد، هر شخصی می‌تواند این ایجاب را قبول نماید و پس از قبول، معامله منعقد می‌گردد. مثل این که شخصی مالش را با تعیین قیمت، مشخصات و سایر شرایط جهت فروش در روزنامه آگهی نماید. در این صورت هر شخصی می‌تواند این معامله را قبول و تسلیم آن مال را مطالبه نماید. البته در برخی قراردادها که شخصیت طرف معامله دارای اهمیت است، موجب می‌تواند با توجه به شخصیت قبول‌کننده، قبول را نپذیرد مثلاً چنان‌چه شخصی برای فروش ماشین خود در روزنامه آگهی داده باشد؛ در صورتی که قبول‌کننده شخصی فقیر باشد و توانایی پرداخت قیمت ماشین را نداشته باشد، موجب می‌تواند قبول او را نپذیرد.

بند دوم: الزام آور بودن ایجاب

ایجاب در صورت دارا بودن شرایط قانونی این اثر را دارد که با قبول ترکیب شده و ماهیت حقوقی عقد را ایجاد کند. اما آنچه در بررسی اثر ایجاب اهمیت دارد شناخت این امر است که آیا ایجاب شخص موجب را ملتزم به مفاد آن می‌شازد یا خیر. منظور این است که آیا موجب با ایجاب، متعهد خواهد شد که تا صدور قبول یا انقضای مدتی که پس از آن عرفاً، ایجاب قابلیت بقا و سازندگی عقد را از دست می‌دهد، پایبند به آن مانده و مفاد آن را محترم بشمارد با در نظر گرفتن اصول و به کمک تحلیل موضوع به نظر می‌رسد که نمی‌توان پس از انضمام قبول، برای موجب هیچگونه تعهد و التزامی نسبت به مفاد ایجاب قائل گردید. زیرا اگر التزام و تعهدی برای موجب قابل تصور باشد، ناگزیر باید ارادی و ناشی

از قصد موجب باشد و دلیلی بر اراده التزام به مفاد ایجاب از طرف موجب وجود ندارد. آنچه از ایجاب استنباط می گردد بیش از این نیست که موجب با ایقاع ایجاب خود، اراده همکاری و مشارکت در ایجاد ماهیت حقوقی عقد از راه ترکیب با قبول طرف و التزام به مفاد عقد در صورت تحقق آن را دارد نه پایبند کردن یک طرفه خود تا صدور قبول. در بعضی موارد ممکن است ایجاب همراه با التزام به نگه داری آن تا زمان معین یا تا زمان صدور قبول گردد در این صورت هم ایجاب قابل رجوع است، زیرا حتی اگر موجب اراده التزام به ایجاب داشته باشد باز تعهدی را نمی توان بر عهده او ثابت دانست زیرا برای تعهد یکطرفه نمی توان اعتباری شناخت. چه اینکه هر چند اراده انسان قادر به انشای ماهیت های حقوقی است اما دین و تعهد ماهیتی است مرتبط و وابسته به دو طرف که تحقق آن در عالم حقوق حداقل نیاز به دو طرف دارد. در بعضی موارد ممکن است اراده شخص به تنهایی دین و تعهدی را از ذمه مدیون خود اسقاط کند همچنانکه ممکن است به طور غیر مستقیم خود را در برابر دیگری یا دیگری را در برابر خود مدیون ساخته یا مالی را داخل مالکیت دیگری کند. مانند اینکه خریدار به استناد یکی از اختیارات معامله را فسخ کند که در اینصورت مبیع را به ملکیت فروشنده بر می گرداند و خود را نسبت به ثمن یا بدل آن در برابر فروشنده مدیون می سازد، که این موارد نیز مسبوق به وجود عقد سابق است و در غیر این موارد و آنچه قانون تصریح کرده، هیچ شخصی نمی تواند به اراده خود در برابر دیگری مدیون شود و نمی تواند بدون قبول دیگری مالی را داخل در ملکیت او کند. ممکن است ایجاب کننده در برابر مخاطب ایجاب تعهد کند که اگر از ایجاب عدول نموده، ملزم به جبران خسارت طرف ایجاب باشد (زیرا ممکن است طرف ایجاب برای تشکیل عقد مثلا اقدام به گرفتن وام کرده یا به امید انجام معامله با ایجاب کننده، از اقدام به معامله دیگر خودداری کرده و از این حیث متضرر شده باشد) در این صورت نیز ایجاب قابل رجوع است، نهایتا موجب باید خسارت وارد بر مخاطب را جبران کند، در این مورد جبران خسارت ناشی از توافق اراده طرفین بر آن است نه ناشی از اراده موجب به تنهایی در قابلیت رجوع از ایجاب، تفاوتی بین صورتی که ایجاب به اطلاع قبول کننده رسیده یا نرسیده باشد وجود ندارد، زیرا هر گاه نتوان از نظر حقوقی مبنای تحلیلی برای تعهد موجب نسبت به مفاد ایجاب شناخت، صرفا

اطلاع یا عدم اطلاع مخاطب از ایجاب نمی تواند منشاء پیدایش تعهدی بر ذمه ایجاب کننده باشد [۱۵] پس به طور خلاصه در خصوص الزام آور بودن ایجاب می توان گفت: پس از آن که شخص برای انجام معامله ایجاب داد تا قبل از این که کسی این ایجاب را قبول نماید، ایجاب او الزام آور نیست و او می تواند از ایجاب خود رجوع نماید و از انجام معامله صرف نظر نماید زیرا به صرف ارائه ی ایجاب برای شخص موجب ایجاد تعهد و الزام نمی شود. البته در صورتی که موجب (ایجاب دهنده) مهلتی را برای ابراز قبولی از سوی دیگران تعیین نماید، تا قبل از اتمام این مهلت، او ملزم به ایجاب خود است. چنانچه موجب قبل از اتمام مهلت از ایجاب خود برگردد و باعث شود زیانی به شخصی که ایجاب به او ارائه شده وارد گردد، بایستی زیان وارده را جبران نماید. مثل این که شخصی به دیگری برای فروش یکی از اموالش ایجاب می دهد و برای ارائه ی قبولی یک مهلت دوماهه تعیین می کنند. در صورتی که موجب قبل از پایان این مهلت از ایجابش برگردد و طرف مقابل نیز در آن مدت برای تهیه ی قیمت آن مال، اموالش را زیر قیمت فروخته باشد، موجب مسئول جبران این خسارت است.

بند سوم: اهلیت ایجاب دهنده

اهلیت در لغت به معنای شایستگی و در اصطلاح حقوق به معنای شایستگی شخصی است برای آنکه بتواند صاحب اموال شود یا در اموال خود تصرف کند پس اهلیت بر دو نوع است اهلیت تمتع و اهلیت استیفا. اهلیت تمتع عبارت است از شایستگی برای دارا بودن حق. هر انسان زنده از اهلیت تمتع برخوردار خواهد بود. اهلیت تمتع را حق تمتع نیز می گویند. اهلیت استیفا، شایستگی برای اجرای حقوق مدنی است. باید دانست که منظور قانونگذار از اهلیت در مبحث دوم مربوط به اهلیت همان اهلیت استیفاء است طبق ماده ۹۵۸ ق.م هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچ کس نمی تواند حقوق خود را اعمال و اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد باید گفت هر قانون از اهلیت به طور مطلق نام برده، منظور اهلیت استیفاء مگر آنکه قرینه ای بر خلاف آن وجود داشته باشد. طبق ماده ۲۱۰ قانون مدنی برای اینکه معامله معتبر باشد طرفین آن باید دارای اهلیت باشند که منظور

اهلیت استیفا است و مطابق ماده ۲۱۱ ق.م اهلیت در صورتی محقق می شود که شخص بالغ و عاقل و رشید باشد. مطابق ماده ۹۵۸ قانون مدنی که در بالا به آن اشاره شد به طور عام همه انسانها دارای اهلیت تمتع می باشند با این حال این حکم را نباید یک حکم بدون تخصیص تلقی کرد هر چند که موارد استثنایی آن بسیار محدود است.

بخش سوم: مدت اعتبار ایجاب و تشخیص تحلیلی زمان و مکان ایجاب و قبول

بند اول: مدت اعتبار ایجاب

از آنجا که ایجاب دهنده ایجاب را ایجاد می نماید، تعیین مدتی را که این ایجاب معتبر خواهد بود و قبولی شخص دیگر می تواند در آن مدت اعلام شود و در نهایت قرارداد تشکیل شود، با خود او است. این مدت به سه طریق معلوم می شود:

۱- گاهی موجب مدت معینی را برای بقای ایجاب خود و اعلام قبولی مشخص نموده است. در این صورت قبول باید در همان مدت اعلام شود و در غیر این صورت قبول بی اثر خواهد بود. چنانچه ایجاب با نوشتن و به موجب نامه بوده باشد، قرارداد در صورتی منعقد می شود که نامه ی حاوی قبول در همان مدت معین به دست موجب برسد. مثلاً خانه ام را فروختم ۱۰۰ میلیون تا ۶ ماه وقت داری که جواب بدهی. در اینجا ایجاب تا زمان انقضای مهلت مقرر معتبر است.

۲- گاهی موجب در ایجابش اعلام می نماید که قبول باید فوراً اعلام شود والا ایجابش از بین خواهد رفت. در این موارد تشخیص این که قبول فوراً اعلام شده یا با تأخیر اعلام شده با عرف است و در موارد مختلف متفاوت می باشد. مثلاً در صورتی که طرفین در یک مکان با هم حضور داشته باشند قبولی باید در همان مکان اعلام شود اما چنانچه موجب ایجابش را با نامه به طرف مقابل داده باشد، مدتی که قبولی در آن باید اعلام شود اولین فرصتی است که او می تواند نامه ی قبولی را به موجب بفرستد. به عنوان مثال شخصی می گوید خانه ام را فروختم ۱۰۰ میلیون فوراً جواب من را بده در اینجا ایجاب تا زمان انقضای فوریت عرفی معتبر است

۳- در صورتی که ایجاب دهنده برای ایجاب مهلتی معین ننموده باشد، برای تعیین مهلتی که قبول می تواند به این ایجاب ضمیمه شود باید به عرف رجوع نمود و عرف نیز در هر مورد، برحسب اوضاع و احوال این مدت را تعیین می نماید. مثلاً در معاملات تجاری، مهلتی که برای قبول ایجاب وجود دارد کوتاه تر است.

بند دوم: تشخیص تحلیلی زمان و مکان تشکیل عقد

دکتر شهیدی در کتاب تشکیل قرارداد و تعهدات به تفصیل در خصوص تشخیص تحلیلی زمان و مکان تشکیل عقد مطالبی را بیان داشته است که در اینجا عین این مطالب ذکر می شود (در معاملات معمولی که طرفین در حضور یکدیگر مبادرت به تشکیل عقد می کنند و ایجاب و قبول به فاصله زمانی بسیار کوتاهی نسبت به هم واقع می شود، تعیین زمان و مکان تشکیل عقد زمینه طرح بحث های مهمی را فراهم نمی سازد. زیرا ایجاب و قبول طرفین در یک مکان و تقریباً در یک زمان صادر و به اطلاع طرفین می رسد. اما در پاره ای از معاملات، مانند معامله ای که بین دو طرف که در دو مکان مختلف هستند مثلاً به وسیله مکاتبه منعقد می شود و بین ایجاب و صدور قبول و اطلاع موجب از آن، مدت زمانی فاصله می افتد تعیین اینکه عقد در چه زمان و مکانی منعقد می گردد، مورد بحث های مهمی قرار گرفته و اظهار نظر های متفاوتی را سبب گردیده است. در این مورد تعیین هر یک از زمان و مکان تشکیل عقد، با تعیین دیگری ملازمه دارد. در این مسئله چهار نظر زیر ابراز شده است که گاهی از آن به سیستم های چهار گانه تعبیر می شود.

۱- نظریه اعلام. ۲- نظریه ارسال. ۳- نظریه وصول. ۴- نظریه اطلاع. که ما آنها را ضمن ذکر یک مثال، در زیر بررسی می کنیم:

به عنوان مثال یک بازرگان آلمانی فروش مقداری پارچه ی تولیدی خود را در یک نامه برای بازرگان ایرانی اتشا کرده و آن نامه را به صندوق پست می اندازد و پس از وصول نامه به دست بازرگان ایرانی، این شخص قبولی خود را در نامه نوشته و آن را از طریق پست برای بازرگان آلمانی ارسال می دارد و این نامه به دست بازرگان آلمانی می رسد و او با مطالعه

نامه از قبول بازرگان ایرانی مطلع می شود. در این مثال مطابق نظریه اعلام، عقد در زمان و مکانی تشکیل می شود که نامه حاوی قبول نوشته می شود. طبق نظریه ارسال، عقد در زمان و مکانی که نامه حاوی قبول به صندوق پست انداخته می شود واقع می گردد. بنابر نظریه وصول عقد در زمان و مکانی تشکیل می شود، که نامه حاوی قبول به دست ایجاد کننده برسد بالاخره برابر نظریه اطلاع، زمان و مکان تشکیل عقد، زمان و مکانی است که بازرگان آلمانی از مفاد نامه و قبول بازرگان ایرانی مطلع گردد. این مسئله در حقوق کشورهای خارجی، مورد اختلاف است. آرای قضایی دادرسان ماهوی سیستم قضایی فرانسه بین نظریه ی اعلام و اطلاع و دریافت تقسیم می شود ولی بیشتر نویسندگان مدرن، سیستم ارسال یا دریافت پذیرفته اند. نظریه مطابق با سیستم حقوقی ایران در بین چهار نظریه مذکور، به عقیده ما، بالحاظ تحلیل مساله، نظریه ارسال قابل دفاع و با مقررات و قواعد و اصول حقوقی سیستم حقوقی کشور ما منطبق می باشد. زیرا آنچه در قانون مدنی به عنوان عامل تشکیل عقد معرفی گردیده است، چیزی بیش از قصد انشای همراه با وسیله ابراز آن نیست و عنصری دیگر نظیر وصول قبول به موجب و اطلاع او بر قبول لازم دانسته نشده است. ماده ۱۹۱ ق. م، مقرر میدارد: ((عقد محقق می شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند)). با ملاحظه ماده بالا می توان مطالب زیر را استنباط کرد:

۱- همانطور که سابقا ذکر شد، قصد انشا سازنده عقد است، منتهی شرط تاثیر و سازندگی آن، همراه بودن آن با وسیله ای است که آن را ابراز کند. بدیهی است برای تشکیل عقد که یک عمل حقوقی دو طرفه است، وجود انشای مشروط دو طرف ضروری است.

۲- در مساله مورد بحث فرض بر این است که قصد انشای موجب، همواره با تسلیم نامه به پست محقق شده است و برای تشکیل عقد، صرفا نیاز به قصد انشای قبول کننده همراه با وسیله ابراز آن می باشد. اما این قصد انشا با شرط تاثیر آن، زمانی تحقق پیدا می کند که نامه حاوی قبول به وسیله قابل تحویل پست شود، نه هنگامی که نامه مزبور نوشته می شود یا به دست موجب می رسد یا موجب از آن مطلع می گردد. زیرا: اولاً - به صورت نوشتن نامه حاوی قبول نمی توان قصد انشای نویسنده را بر قبول ایجاب احراز کرد، یعنی تنها

نوشتن نامه مزبور، دلالت بر قصد انشای نویسنده بر قبول معامله نمی کند. چه این که ممکن و این امر معمول عرف است، که نویسنده نامه مزبور را بنویسد تا پس از تحقق نسبت به موضوعی که معامله آن ایجاب شده و وضعیت آن از حیث قیمت و سنجش مصلحت خویش و بررسی امور لازم دیگر، در صورتی که معامله را به سود خود تشخیص دهد نامه را پست کند و در غیر این صورت از ارسال آن خود داری نماید. نامه مزبور پس از نوشتن در اختیار خود قرار دارد، پس مادام که ارسال یا ارائه نشده است نمی تواند عادات و وسیله ابراز اراده باشد بنابراین هرگز نمی توان از نوشتن نامه اطمینان یافت که نویسنده قبول عقد را در دماغ خود انشا کرده است. در آن هنگام که نامه حاوی قبول را داخل صندوق پست می اندازد، با توجه به اینکه می داند که نامه عادات از اختیار او خارج و دسترسی به آن معمولاً غیرممکن می شود و پست آن را به موجب می رساند، قصد انشای او درمورد قبول ایجاب در این زمان عرفاً مسلم می گردد یعنی انداختن نامه در صندوق پست عملی است که عرفاً دلالت بر قصد انشای مزبور میکند. از آنجا که طبق ماده ۱۹۱ ق.م.، تقارن قصد انشا با وسیله ابراز آن نیز لازم است، قصد انشای هم زمان انداختن نامه در صندوق پست موجب تشکیل عقد است و قصد انشای پیش از این زمان، اگر هم موجود بوده نمی توانسته است اثری در تشکیل عقد داشته باشد، چه این که دلالت بر قصد انشای نسبت به تشکیل عقد دارای جنبه ثبوتی است نه اثباتی و هم زمانی قصد انشاء با دلالت کننده بر آن در قانون لازم شمرده شده است. رسیدن نامه حاوی قبول به دست موجب نیز برای تشکیل عقد لازم نیست. زیرا تحویل نامه به پست وسیله ای است که عرفاً دلالت بر قصد انشای قابل می کند و اضافه بر این امر، چیز دیگری برای تشکیل عقد، قانوناً لازم شمرده نشده است. اطلاع موجب بر مفاد نامه و قبول طرف نیز، برای وقوع عقد ضروری نیست و نمی توان پذیرفت که تشکیل عقد تا آن زمان به تاخیر می افتد. زیرا: از یک طرف، آنچه در ماده ۱۹۱ ق.م.، به عنوان شرط تاثیر قصد در نظر گرفته شده است، همراه بودن آن با چیزی است که دلالت بر قصد کند که از عبارات مزبور استفاده می شود که تقارن قصد با شیئی دلالت کننده لازم است نه با دلالت کردن آن و دلالت کردن دلالت کننده ممکن است بعداً و زمانی محقق شود که موجب با مطالعه نامه حاوی قبول از مفاد آن مطلع شود. به عبارت دیگر همراه بودن قصد با چیزی که بر آن دلالت کند برای تشکیل عقد

کافی است، اگر چه دلالت کردن آن برای موجب بعدا محقق شود. بنابراین اگر نامه حاوی قبول به پست تحویل شود ولی یک ماه بعد موجب از ارسال این نامه مطلع گردد، باید عقد را در زمان ارسال نامه، تشکیل شده دانست. از طرف دیگر، همان طور که در بالا ذکر شد، تقارن قصد انشا با وسیله ابراز آن لازم است، در صورتی که در زمان وصول نامه حاوی قبول به دست موجب اطلاع او از مفاد این نامه عادتاً قصد انشای عقد در نزد قبول کننده وجود پیدا نمی کند تا مقارن بودن آن با دلالت کردن چیز دلالت کننده محقق شود. نتیجه ای که از مطالب گذشته به دست می آید این است که با ارسال نامه حاوی قبول به وسیله، پست تمام ارکان سازنده عقد محقق می شود و عقد در این زمان و مکان ارسال نامه واقع می گردد هر چند که ممکن است اثبات آن منوط به وصول نامه مزبور یا اطلاع بر قبول مندرج در آن باشد در صورتی که نامه حاوی قبول به علتی هرگز به دست ایجاب کننده نرسد، این شخص یا قبول کننده بتواند ارسال نامه را توسط مخاطب ایجاب ثابت کند، تشکیل عقد مورد حکم قرار خواهد گرفت و روشن است که در صورت عدم اثبات این امر، دعوی هر یک از دو طرف دایر بر تشکیل عقد مردود خواهد شد. در کنوانسیون سال ۱۹۸۰ سازمان ملل متحد راجع به قرار داد های بیع بین المللی کالا، از مقررات بند ۲ ماده ۲۳، استفاده می شود که عقد در زمان وصول قبول به ایجاب کننده منعقد میشود.

بند سوم: زوال ایجاب

ایجاب ممکن است به دلایلی از بین برود بدون این که نیاز به رجوع ایجاب دهنده باشد که عبارتند از:

۱- در صورتی که مهلتی که ایجاب دهنده برای ایجاب خود قرار داده به پایان برسد و در آن مدت قبولی اعلام نشود، ایجاب از بین می رود.

۲- مرگ و عدم اهلیت ایجاب دهنده پیش از اعلام قبولی موجب باعث از بین رفتن ایجاب می شود.

۳- چنانچه شخصی که ایجاب به او ارائه شده، این پیشنهاد را رد نماید، ایجاب از بین می‌رود.

۴- ایجاب متقابل یا قبولی مشروط که منصرف به رد ضمنی ایجاب است اگر ایجاب با ایجاب دیگری پاسخ داده شود در اینصورت ایجاب اول از بین می‌رود و ایجابی که بواسطه ایجاب گیرنده پیشنهاد شده است ایجاب متقابل نامیده میشود.

بند چهارم: تعاریف قبول و قبولی پیش از ایجاب

اراده مخاطب ایجاب بر انشاء عقد قبول نام دارد، قبول نیز مانند ایجاب انشا و عمل حقوقی مستقل محسوب نمی‌شود، قبول باید کاملاً منطبق با مفاد ایجاب باشد، قبول کننده نمی‌تواند بر آنچه موجب ایجاب کرده چیزی بیفزاید یا کم کند بنابر این قبولی باید بدون قید و شرط، منطبق با ایجاب، انشاء و اعلام شود. قبول در لغت به معنای پذیرش و پذیرفتن است. در اصطلاح قبول عبارت است از رضایت به ایجاب ابراز شده برای انعقاد قرارداد. به شخصی که ایجاب را می‌پذیرد «قابل» می‌گویند. در صورتی که ایجاب کننده برای اعلام قبولی از سوی طرف مقابل مهلتی معین نموده باشد، قبولی باید در همان زمان تعیین شده اعلام شود. چنانچه برای اعلام قبولی مهلتی معین نشده باشد، ایجاب باید در زمانی اعلام شود که بتوان گفت بین ایجاب و قبول عرفاً ارتباطی برقرار است. در هر حال تعیین زمانی که قبولی می‌تواند اعلام شود، در هر مورد براساس شرایط و اوضاع و احوال معلوم می‌شود. علاوه براین، قبول باید مطلق و بدون قید و شرط باشد یعنی قابل فقط باید مفاد ایجاب را قبول نماید و در صورت افزودن هرگونه قید و شرط به قبول، قبول او منجر به انعقاد قرارداد نمی‌شود بلکه خود ایجاب جدیدی است. منظور از قبولی پیش از ایجاب اولین انشایی است که به صورت قبولی انشای آینده به طرف دیگر ابراز می‌شود مانند اینکه خریدار ابتدا بگوید "فروش آن فرش را به مبلغ یک میلیون ریال قبول کردم" و سپس فروشنده بگوید "آن فرش را فروختم" بعضی از فقها معتقدند که قبول باید حتماً پس از ایجاب صادر شود و الا عقد باطل است، زیرا قبول معنایی جز پذیرفتن انشایی که قبلاً ابراز شده ندارد و بدون وجود انشای قبلی طرف دیگر عقد، قبول آن معقول نیست. برای تشکیل عقد، همکاری اراده

طرفین لازم است و هر چند عادتاً ایجاب مقدم بر قبول است، اما تحقق این همکاری تفاوتی بین صورت تقدم ایجاب بر قبول یا برعکس وجود ندارد. مفهوم قبول در اینجا حقیقت انشای ابراز شده اول یکی از دو طرف عقد، مثلاً خریدار است که به انضمام به انشای ابراز شده طرف دیگر یعنی فروشنده، عقد را بوجود می آورد نه پذیرفتن مفاد انشایی که قبلاً اعلام گردیده است.

بند پنجم: نحوه‌ی اعلام ایجاب و قبول

ایجاب و قبول ممکن است به موجب الفاظ، اشاره، عمل و نوشته باشد. بنابراین ایجاب و قبول ممکن است به موجب کلمات و الفاظ باشد مثل این که برای انعقاد عقد بیع یکی از طرفین بگوید فروختم و دیگری بگوید خریدم. مطابق ماده‌ی ۱۹۲ق.م در صورتی که برای هر دو طرف یا یکی از طرفین قرارداد، به کار بردن الفاظ ممکن نباشد، قرارداد با اشاره نیز منعقد می گردد. البته اشاره باید به گونه‌ای باشد که نشان دهنده‌ی اراده‌ی شخص بر انعقاد معامله بوده و شکی در آن نباشد. ممکن است طرفین برای اعلام اراده عملی انجام دهند که نشان دهنده‌ی ایجاب و قبول باشد. چنین معامله‌ای، معامله‌ی معاطاتی نام دارد. مثل این که شخصی به یک مغازه برود و پولش را بدهد و نان را از مغازه دار بگیرد. در این مثال نان فروخته شده است بدون این که از لفظ استفاده شود. (ماده‌ی ۱۹۳ق.م)

بخش چهارم: توالی ایجاب و قبول و مطابقت ایجاب و قبول

توالی در لغت به معنی پی در پی بودن و پشت سر هم قرار داشتن است. توالی یا موالات در ایجاب و قبول نیز از معنی لغوی دور نیست زیرا پس از اعلام ایجاب از ناحیه یک طرف باید قبولی که از ناحیه طرف دیگر اعلام می شود با زمان ایجاب چندان فاصله نداشته باشد که عرفاً آن را مربوط به ایجاب بدانند. مثلاً هر گاه کسی به دیگری که همیشه با هم هستند بگوید "تعهد می کنم" و دیگری پاسخی ندهد عرف آن دو را مرتبط با هم نمی داند و نظر عرف ملاک امر است زیرا حقوق از امور اجتماعی است و همیشه عرف و منطق جامعه ملاک تشخیص در مسائل آن قرار می گیرد. ایجاب مادام که به قبول متصل نشده است اثر

حقوقی ندارد و بقای آن پیش از قبول، متکی به اراده موجب است و موجب هر زمان بخواهد می تواند پیش از انضمام قبول از ایجاب عدول کند اما باید دانست مدت بقای هر ایجاب قبل از انضمام قبول به آن محدود است و پس از پایان آن مدت دیگر ایجابی باقی نمی ماند تا با انضمام به قبول، عقدی را تشکیل دهد. بنابراین باید بین ایجاب و قبول آن فاصله زمانی قرار نگیرد که ایجاب اعتبار و قابلیت ترکیب خود را با قبول از دست بدهد، یعنی موالات بین ایجاب و قبول شرط لازم برای تشکیل عقد است در قانون مدنی ماده ای که لزوم ایجاب و قبول را به طور مطلق و در همه جا اعلام کند وجود ندارد. در عقد نکاح ماده ۱۰۶۵ ق.م توالی عرفی بین ایجاب و قبول را شرط صحت عقد معرفی کرده است. اما به کمک تحلیلی که از ایجاب و قبول به عمل آمد لزوم موالات بین ایجاب و قبول در سایر عقود استنباط می شود. اصولاً مدت بقای ایجاب تابع اراده موجب است و او می تواند مدتی را برای قابلیت ترکیب آن با قبول تعیین کند که در این صورت تا زمانی که موجب آن را الفا نکند، تا پایان مدت مزبور، برحسب موضوع و شرایط، تابع عرف خواهد بود. بنابراین می توان گفت، توالی لازم بین ایجاب و قبول برای تشکیل عقد توالی عقلی و فلسفی نیست بلکه توالی عرفی است. مثلاً هر گاه شخصی فروش فرش خود را به دیگری ایجاب کند، لازم نیست طرف ایجاب بلافاصله و بی درنگ قبولی خود را اعلام کند بلکه می تواند چند دقیقه درنگ کند و یا در شرایطی حتی چند روز صبر کرده و سپس قبولی خود را اعلام کند. فاصله ی بین قبول و ایجاب در هر معامله ای باید به اندازه ای باشد که عرف آن قبول را مربوط به ایجاب بداند. البته در هر معامله ای باتوجه به اوضاع و احوال و شرایط قرارداد، فاصله ی مجاز بین ابراز ایجاب و اعلام قبول تعیین می شود. به عبارت دیگر بین ایجاب و قبول باید موالات باشد یعنی عرفاً پی درپی باشند. مثلاً در قراردادهایی که با نامه نگاری منعقد می شود این فاصله بیشتر از موارد معمولی است. ماده ی ۱۰۷۱ ق.م نیز این حکم را بیان نموده است البته این ماده در ارتباط با نکاح است اما باید توجه داشت که این حکم در همه ی قراردادها اجرا می شود و به نکاح اختصاص ندارد. در خصوص موالات بین ایجاب و قبول بین نویسندگان اتفاق نظر وجود ندارد به گونه ای که آن را به دو گونه تعیین و تفسیر کرده اند نخست گروهی از نویسندگان لزوم موالات را نتیجه ساختمان و مفهوم عقد می دانند به موجب این نظر عقد

موجود اعتباری واحد است که اجزای آن (ایجاب و قبول) با هم مرتبط هستند. پس برای آفرینش این وجود باید ایجاب و قبول به هم متصل باشند و عرف این دو انشا را مربوط به هم می داند. از طرف دیگر اثر عقد نقل مالکیت یا رابطه حقوقی است که باید بین دو طرف و در رابطه با هم انجام شود. بنا بر این نتیجه عدم اتصال ایجاب و قبول این است که مالکیت یا رابطه حقوقی ایجاد شده بدون محمل باقی بماند و اضافه بدون مضاف الیه باشد که این امر مغایر با ارتباط اجزای عقد است در حالت دوم گروهی توالی عرفی ایجاب و قبول را ناشی از اراده گوینده ایجاب و ضرورت باقی ماندن این آفریننده اعتباری در زمان قبول دانسته با این بیان که: هیچ پیشنهادی جاودانه نیست و اگر به صراحت محدود به زمان معین نشود در دیدگاه عرف مقید به زمان محدود است که پس از آن خود به خود از بین می رود. زمان بقای ایجاب تابع اراده گوینده آن است که گاه به یاری عرف استنباط می شود. مدت اعتبار ایجاب به طور معمول زمانی است که طرف خطاب برای فکر کردن و پاسخ گفتن لازم دارد و معنی "فوری بودن عرفی" نیز اشاره به همین مهلت است و گر نه قبول فوری و متصل به ایجاب اگر با دقت عقلی و ضوابط علوم ریاضی و فیزیکی سنجیده شود از محالات است. ایجاب به علت اینکه قابلیت بقا ندارد و عمر ایجاب محدود است وابسته به شرایط و اوضاع و احوال است بنابراین ایجاب زمان طولانی قابلیت بقا و استمرار ندارد و بایستی توالی بین ایجاب و قبول باشد در ماده ۱۰۶۵ قانون مدنی ذکر شده توالی ایجاب و قبول شرط صحت عقد است که بر این اساس در سایر موارد می توان آن را تعمیم داد. یک قرارداد در صورتی ایجاد می شود که مفاد ایجاب و قبول منطبق بر یکدیگر باشند. یعنی قابل همان چیزی را قبول کرده باشد که موجب آن را اراده نموده است. مثلاً چنانچه مالک یک ماشین فروش ماشینش را پیشنهاد داده باشد اما طرف مقابل با قصد اجاره ی ماشین او، این ایجاب را قبول نموده باشد، قرارداد تشکیل نمی شود زیرا مفاد ایجاب و قبول با هم مطابقت ندارد. در مورد ایجاب و قبول باید اذعان داشت که نفوذ قبول و اثر آن در وقوع عقد منوط بر این است که ارتباط عرفی آن با ایجاب محفوظ بماند و یا به عبارت دیگر در زمانی قبول اعلام شود که ایجاب هنوز حیات اعتباری خود را از دست نداده است مثلاً در هبه این سوال مطرح می شود که آیا قبض نیز همین وضع را دارد یا هر زمان قبض حاصل شود، هبه را محقق می سازد؟

در فقه نظر مشهور این است که تاخیر در قبض مال موهوب مانع وقوع هبه نمی شود، هر چند که قبض نیز مانند ایجاب و قبول جزو اسباب انتقال باشد و نباید آن را با وضع قبول در قراردادها قیاس کرد. اما باید توجه داشت این مهلت را به طور معمول عرف تعیین می کند و مبنای آن توافق طرفین و به ویژه اراده واهب است.

بند اول: ایجاب و قبول توسط شخص واحد

در مواردی که یک شخص به تنهایی قرارداد را ایجاد می کند، ابراز اراده و اعلام ایجاب و قبول برای تشکیل عقد لازم نیست زیرا ابراز اراده صرفاً به دلیل آگاهی طرف مقابل از قصد شخص بر انعقاد قرارداد است، مثلاً شخصی به نمایندگی از یک طرف، وکیل در فروش خانه و به نمایندگی از طرف دیگر قرارداد، وکیل در خرید آن خانه است. در این مثال لازم نیست ایجاب و قبول به صورت لفظ، اشاره، عمل یا نوشته باشد زیرا اعلام ایجاب و قبول در جایی لازم است که دو شخص می خواهند قصد خود را مبنی بر انعقاد قرارداد به یک دیگر اعلام نمایند اما در جایی که یک شخص به نمایندگی از طرفین معامله، قرارداد را منعقد می نماید چنین هدفی وجود ندارد. پس در جایی که یک شخص به نمایندگی از سوی طرفین قرارداد، معامله را منعقد می نماید، نیازی به این اعلام اراده نمی باشد. بعضی از نویسندگان حقوق مدنی، مفاد ماده ۱۹۱ ق.م را در مورد لزوم ابراز قصد، نسبت به دو مورد وحدت و تعدد قاصد، در موقعیت دو طرف عقد مطلق و شامل مورد وحدت شخص انشاکننده عقد نیز دانسته، ولی عقیده خود را در مورد سازگاری این امر با منطقی عقل، پنهان نداشته اند. به نظر میرسد که با مطالعه مفاد ماده ۱۹۱ ق.م.و به کمک تحلیل ماهیت و ارکان عقد، می توان به این نتیجه رسید که ابراز اراده انشایی، در موردی که انشاکننده عقد شخص واحد باشد، برای تشکیل عقد، لازم نیست و دخالتی در مرحله ثبوتی ندارد. زیرا آنچه به روشنی از ماده ۱۹۱ مذکور استنباط می شود این است که ابراز اراده موضوعیت ندارد بلکه از حیث کاشفیت آن از قصد و یا به تعبیر قانون صرفاً به منظور تحقق دلالت وسیله ابراز بر وجود قصد و یا به تعبیر قانون صرفاً به منظور تحقق دلالت وسیله ابراز بر وجود قصد انشا و حکایت آن از اراده طرف عقد، برای طرف دیگر، لازم دانسته شده است، و این امر در مورد

عقد نکاح است. بنابراین در صورتی که فاصله‌ی بین ایجاب و قبول به اندازه‌ای باشد که نتوان قبول را به ایجاب مرتبط دانست عقد نکاح باطل خواهد بود.

نتیجه گیری

- برای ایجاب می توان دو معنی شناخت یکی معنی مصدری یعنی خلق کردن و دیگر معنی اسم مفعولی ، یعنی ماهیت اعتباری ایجاد شده که به انضمام به ماهیت اعتباری قبول ، ماهیت عقدی را در عالم اعتبار ایجاد خواهد کرد .

- هر عقدی مرکب از دو عنصر ایجاب و قبول است بدین معنی طرفی که می خواهد عقد را منعقد کند ایجاب عقد را انجام می دهد و طرف دیگر آن را قبول می کند که هر کدام از این ایجاب و قبول مشتمل بر الفاظی است که دلالت بر ایجاب و قبول می کند

- ایجاب باید کامل باشد یعنی باید حاوی تمامی عناصر اصلی قرارداد باشد همچنین ایجاب باید مشخص باشد یعنی نوع عقد و موضوع قرارداد در آن مبهم نماند یا بدون دو یا چند چیز محل تردید نباشد و ایجاب باید قاطع باشد یعنی اعلام اراده به منظور انعقاد قرارداد و ایجاد تعهد بر اجرای مفاد آن باشد

- قبول در لغت به معنای پذیرش و پذیرفتن است و در اصطلاح قبول عبارت است از رضایت به ایجاب ارائه شده برای انعقاد قرارداد قبول باید مطلق و بدون قید و شرط باشد ضمناً بین ایجاب و قبول باید توالی و موالات وجود داشته باشد .

- در پاره ای از معاملات، مانند معامله ای که بین دو طرف که در دو مکان مختلف هستند مثلاً به وسیله مکاتبه منعقد می شود و بین ایجاب و صدور قبول و اطلاع موجب از آن ، مدت زمانی فاصله می افتد تعیین اینکه عقد در چه زمان و مکانی منعقد می گردد ، مورد بحث های مهمی قرار گرفته و اظهار نظر های متفاوتی را سبب گردیده است. در این مورد تعیین هر یک از زمان و مکان تشکیل عقد ، با تعیین دیگری ملازمه دارد . در این مسئله چهار نظر زیر ابراز شده است که گاهی از آن به سیستم های چهار گانه تعبیر می شود ، که عبارتند از:

۱- نظریه اعلام

۲- نظریه ارسال

۳- نظریه وصول

۴- نظریه اطلاع در حقوق ایران نظریه ارسال مورد قبول اکثریت حقوقدانان قرار گرفته است.

- سکوت در حقوق ایران علی الاصول علامت رضایت نیست (ماده ۲۴۹ ق.م) مگر در عقد اجاره (ماده ۵۰۱ ق.م) که سکوت موجد پس از انقضای عقد نشانه رضایت وی است نسبت به ادامه تصرف مستاجر و در صورت ادامه تصرف مستاجر بعد از پایان مدت قرارداد ید مستاجر نسبت به ملک در تصرف از ید امانی به ید ضمانی تبدیل می شود

- «هر یک از مرد و زن می توانند برای عقد نکاح و کالت به غیر دهد». هم چنین در عقد نکاح، ممکن است ایجاب و قبول توسط اشخاصی غیر از زن و مرد اعلام شود. این اشخاص عبارتند از پدر و جد پدری که قانوناً حق دارند برای فرزندانشان عقد نکاح منعقد نمایند.

- فاصله ی بین ایجاب و قبول در عقد نکاح نباید بیشتر از حد متعارف باشد. برابر ماده ۱۰۶۵ق.م پی در پی بودن ایجاب و قبول شرط صحیح بودن عقد نکاح است. بنابراین در صورتی که فاصله ی بین ایجاب و قبول به اندازه ای باشد که نتوان قبول را به ایجاب مرتبط دانست عقد نکاح باطل خواهد بود.

الف) کتب

- امیر معزی، احمد، قواعد حل تعارض در قانون حاکم بر تعهدات قراردادی، چاپ اول، موسسه انتشارات دادگستر، نشر سمت، تهران، ۱۳۹۱
- بناء نیاسری، ماشالله، تشکیل قرارداد در فضای سایبر، مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۹، نیمسال اول ۱۳۸۵
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر گنج دانش، سال ۱۳۸۲
- جنیدی، لعیا، قانون حاکم در داوری های تجاری بین المللی، نشر دادگستر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶
- حبیب زاده، طاهر، حقوق فناوری اطلاعات حقوق قراردادها در گستره قرارداد های الکترونیک، جلد دوم، تهران، چاپ اول، انتشارات دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، زمستان ۱۳۹۰.
- حبیب زاده، طاهر، حقوق فناوری اطلاعات، دادگاه صالح و قانون حاکم در بستر قراردادهای الکترونیک، چاپ اول، جلد سوم، تهران، انتشارات دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، زمستان ۱۳۹۰.
- حبیب زاده، طاهر، حقوق فناوری اطلاعات، مقدمه ای بر حقوق تجارت الکترونیک، جلد اول، تهران، چاپ اول، انتشارات دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، زمستان ۱۳۹۰.
- رابرت شوار و پائول کیمبرلی، تکنولوژی اطلاعات و تسهیل تجارت ملی، ترجمه محمد لطفی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران، ۱۳۷۶
- السان، مصطفی، بررسی نحوه تعیین قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیکی، نشر پژوهش، ۱۳۸۵

- السان، مصطفی، جنبه های حقوقی بانکداری اینترنتی، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، تهران ۱۳۸۸
- السان، مصطفی، حقوق تجارت الکترونیکی، تهران، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۱
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد سوم، نشر دادگستر، تهران، چاپ بیست و دوم، ۱۳۹۱
- سلجوقی، محمود، حقوق بین الملل خصوصی، تعارض قوانین و تعارض صلاحیت ها، جلد دوم، ۱۳۸۵
- سماواتی، حشمت اله، حقوق معاملات بین المللی، نظری و کاربردی، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷
- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد اول، چاپ اول، نشر حقوقدان، تهران، ۱۳۷۷
- شهیدی، مهدی، تجاوز از حق، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۴-۳۳، بهار تا زمستان ۱۳۸۰
- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، چاپ اول، انتشارات حقوقدان، تهران ۱۳۷۷
- شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، چاپ چهارم، انتشارات حقوقدان، تهران ۱۳۷۷
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد یک، نشر بهنشر، سال ۱۳۶۴
- کریمی، هادی. «تجارت در بستر مبادلات الکترونیک». خبرنامه حقوق فناوری، مرداد ۱۳۸۳
- کنوانسیون ارتباطات الکترونیکی در قرارداد های بین المللی مصوب ۲۰۰۵، سازمان ملل متحد
- لیان دبلنون، زویه، حقوق تجارت الکترونیک، ترجمه ستار زرکام، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، تهران، چاپ اول

- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، جلد ۱، چاپ هفتم، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، قم، ۱۳۸۶
- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۲۵۶
- نوری، محمدعلی، و رضا نخجوانی، حقوق تجارت الکترونیکی، چاپ اول، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۲.
- نوری، اصول قراردادهای بازرگانی بین المللی، ایران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۸
- نوری، نخجوانی، حقوق تجارت الکترونیکی، ایران، نشر گنج دانش، ۱۳۸۲
- هل، جنیفر ای، آینده قرارداد های الکترونیکی در عرصه بین الملل، ترجمه کنندگان مصطفی السان و زینب کنعانی، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوق بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۵، سال ۱۳۸۵

(ب) مقالات

- السان، مصطفی، ایجاب و قبول معاملات الکترونیکی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۳، بها و تابستان ۱۳۸۵
- السان، مصطفی، بررسی تعیین قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیکی، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست دانشگاه علامه طباطبائی، سال هشتم، شماره نوزدهم، پاییز و زمستان سال ۱۳۸۵
- السان، مصطفی، تشکیل قراردادهای الکترونیکی، فصل نامه و پژوهش نامه بازرگانی، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۸۴
- منابع عربی)
- انصاری، شیخ مرتضی، کتاب المکاسب (البيع)، الجز الثاني، الطبعة الثانية، دارالحکمه، قم ۱۴۲۲ ه.ق
- الحسینی المراغی، سید میر عبدالفتاح، العناوین، الجز الثاني، الطبعة الاولى، موسسه النشر الاسلامی، التابعه لجامعه المدرسين بقم المشرفه، ۱۴۱۸ ه.ق.

مرکز آموزش علمی-کاربردی
سازمان همبازی شهرداری های
استان اصفهان



بنیاد علمی قانون یار برگزار می کند

با همکاری و حمایت معنوی
مرکز آموزش علمی-کاربردی سازمان همبازی شهرداری های استان اصفهان



همایش ملی

علمی- پژوهشی فقه و حقوق اسلامی



دکتر بهنام اسدی

مسئول برگزاری

ارکان کلیدی همایش

دبیر اجرایی همایش:
دکتر امین امیریان فارسانی
رئیس هیأت داوران:
دکتر سعید سامانی مجد
رئیس شورای سیاست گذاری:
دکتر سعید خردمندی

محورهای همایش:

پذیرش مقاله در تمامی زمینه های علوم تربیتی و روان شناسی (تمامی گرایش ها)، برنامه ریزی درسی علوم مشاوره، فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، آموزش الکترونیک، برنامه ریزی آموزش عالی علوم اجتماعی، فرهنگ هنر (تمام گرایش ها)، ارتباطات اسلامی و سایر موضوعات مرتبط با علوم انسانی

۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۸

اصفهان سالن اجلاس دانشگاه

پایگاه های نمایه کننده مقالات همایش

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science

T
PBIN.com
Sponsored And Indexed

همایش های ایران
symposia

CONF
PAPER

مؤتمرات
و
مؤتمرات
و
مؤتمرات

مؤتمرات
و
مؤتمرات
و
مؤتمرات

www.olomensani.IR



جهت چاپ مقالات خود در دیگر همایش های قانون یار

کافیست فایل word مقاله خود را به همراه
شماره تماس به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایید

phdsara@yahoo.com

ارسال مقاله در واتس آپ یا تلگرام به شماره

09100636002

همایش های علمی و پژوهشی، هر ساله در دو نوبت برگزار می شود

دبیرخانه همایش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم

واحد مشاوره ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ واحد صدور مدرک ۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴

همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، موسسه قانون یار، مرکز علمی کاربردی سازمان همبازی شهرداری اصفهان، بهمن ۱۳۹۸